

# تزریق مقایسه گری و فرد گرایی در رگ های جامعه

در هر شرایطی که جامعه قرار می گیرد چه در شرایط اقتصادی، فرهنگی و بحران های سیاسی دو عنصر فرد و ساختار باید فعالانه با هم، هم پوشانی لازم را داشته باشند. در مواجهه با شرایط اقتصادی و هر شرایط بحران اجتماعی مهم شیوه مقابله است، نباید صرفاً موانع اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را بر سر راه کشور ببینیم، بلکه موانع روان شناختی نیز به همان میزان اهمیت دارد. ترس از فقر مردم را به خفت و به سمت روش های نادرست و نروان دوزی می کشاند، این ذهنیت مردم در شرایط اقتصادی بحرانی، باید از چنین آلودگی هایی نجات پیدا کند.

هم وجود دارد که می گوید «آدم با کار کردن پولدار نمی شود!». کلاس های مختلف روان شناسی زرد و TA و کوچ بیزنس هم که مشتری های فراوان دارند، دقیقاً سعی دارند به ما جهان سومی ها القا کنند نه با کار بلکه با کمی هوش و دوز و دغل، می شود خیلی زود ثروتمند شد: ۱۲۰ روزه، صاحب ۱۲۰ میلیون شوید!

## اختلاس گران

### رازهایی را می دانند!

رسیدن به یک کلاس جهانی در هر سطحی، حداقل ۱۰ سال زمان می برد و این مدت برای ماهایی که عجله داریم خیلی زود بارمان را ببندیم، خیلی زیاد است. اما این طورها هم نیست که نتوانیم صبر کنیم. بعضی ها دست به دزدی های معمول می زنند. بعضی ها دلالی می کنند که این دومی در کشور ما خیلی خوب جواب می دهد و بعضی ترها هم هستند که چون دست شان نه به دهان شان بلکه به بالادستی ها - از افراد تا منابع - می رسد، گزینه اختلاس را انتخاب می کنند.

خیلی ها فکر می کنند اگر به شهرت برسند پولدار می شوند، پس به سراغ حرفه هایی مانند بازیگری و ورزش می روند.

منطقی ترین روش برای پولدار شدن هم این است که شغل خوبی داشته باشیم و از قضای روزگار در همین شغل خوب، دستمان با دست بعضی ها در یک کاسه باشد. این هم البته کمی زمان خواهد برد، اما با وجود همه این ها راه تضمین شده ای برای زود پولدار شدن است.

از دید مردم آن که باید محاکمه شود، فرد اختلاس کننده نیست، چرا که این افراد در طول زمان باز هم پدیدار می شوند. آن چه از نگاه اجتماع بر خورد قاطع تلقی می شود، اصلاح قوانین و بستن راه فساد است

کشور خارج شوند.

داستان همه ما در کشورهای جهان سوم این است که دوست داریم خیلی زود و بی کمترین زحمتی، پولدار شویم. اصلاً بین ما این طرفی ها یک ضرب المثل جالب



نجومی مربوط به پول، ترسناک و سرگیجه آور است.

اما بیایید برای یک بار هم که شده کلاهمان را قاضی کنیم و از زاویه ای دیگر به ماجرای اختلاس نگاه کنیم؛ درست است اختلاس دزدی مستقیم و قبیحانه از جیب مردم است و ضربه زدن به اقتصاد یک کشور در سطح کلان؛ اما بانگاهی به فراز و نشیب زندگی اختلاس گران، می فهمیم که این افراد برای اختلاس رنج های فراوان کشیده اند، مدت ها بر نامه بریزی کرده اند، دم این و آن را دیده اند، به پای دروغ و ربای بعضی ها ساخته اند و سوخته اند و البته که هوش سرشاری هم داشته اند که توانسته اند با اختلاس، هم پول و هم جان شان را بردارند و از صحبت کردن در مورد این رقم های



آذر فخری

«اختلاس»، همین و دیگر هیچ! این روزها از هر کسی درباره اختلاس بپرسید، یک جمله درباره زشت و قبیح و حتی دزدی بودن این کار نمی شنوید. اغلب افرادی که با آن ها درباره اختلاس پرسیده ایم، همراه با یک آه بلند در پاسخ گفته اند: «نوش جانیش... ما که نمی توانیم!» بعضی ها هم که اعداد نجومی اختلاس ها هوش از سرشان می پراند از خود و دیگران می پرسند اختلاس گران قرار است با این همه پول چه کار کنند؟ برای آن ها صحبت کردن در مورد این رقم های

## یادداشت

بحرانی که معمولاً پس از پنجاه سالگی بروز می کند

## سندرم «آشیانه خالی»



فاطمه ناصح، دکترای روانشناسی عمومی

مادر دنیایی عجیبی زندگی می کنیم بطوری که گاهی در روابط انسانی و احساسات خویش با پیچیدگی هایی روبرو می شویم که منجر به تجربه کردن بحران های مختلفی در هر مرحله از زندگی مان می شود. تولد، کودکی، نوجوانی، جوانی، بزرگسالی، میانسالی، کهنسالی و مرگ هر کدام از این مراحل، مهمترین دوره های رشد و تحول در زندگی هر فرد محسوب می شوند که گذار از هر کدام از این مراحل در هر دهه ای از زندگی، چالش ها و بحران های خاص خود را به همراه دارد که قطعاً دهه پنجم و ششم دوران حیات نیز از این قاعده مستثنی نیست.

برای همه ما ممکن است پیش بیاید بعد از گذشت

## از گوشه و کنار

### مخالفت نمایندگان مجلس با مجوز تخریب ۶۲ باغ



عضو کمیسیون کشاورزی، آب و منابع طبیعی مجلس معتقد است: شورای شهر تهران با اعطای مجوز به ساخت ۶۲ برج سیاه در تهران راحت ترین کار را کرد. شمس الله شریعت نژاد درباره صدور مجوز ساخت برج در ۶۲ باغ تهران با موافقت اعضای شورای شهر پنجم اظهار داشت: با ساخت وسازهایی که در تهران انجام شده، بسیاری از باغات شمال تهران تبدیل به برج و ساختمان شده است. کسانی که باغ ها را تغییر کاربری دادند، صاحب ثروت های هنگفت شدند و آنان که کسی را ندانستند، زمین شان بی ارزش ماند که البته شهرداری باید به فکر این افراد باشد تا در ازای این که باغ آن ها تغییر کاربری نیافته است، مزیتی به آنان تعلق گیرد. وی با تاکید بر این که اعطای مجوز ساخت برج باغ به ۶۲ پرونده اخیر قطعاً به نفع شهر تهران نیست، گفت: باغات تهران به تنفسی شهری هستند که حجم آلاینده های بالایی دارد. اگر این باغات برای سیستم مدیریت شهری دارای ارزش باشد، باید صاحبان این باغ ها را به گونه ای راضی کند تا باغ های خود را تخریب نکنند. این نماینده مجلس در ادامه بیان کرد: به نظر من منطق حکم می کند، معادل رقم عوارضی که صاحبان این ۶۲ باغ پرداخت کرده اند، به آنان پرداخت شود تا این باغ ها، باغ بمانند؛ چرا که این باغ ها و درختان در صورت تخریب دیگر امکان جایگزینی ندارند. شهرداری باید تاجایی که امکان دارد، تلاش کند تا این باغات را حفظ کند.

چهارشنبه فرماده ناجا با اشاره به برگزاری مراسم چهارشنبه سوری:

## پلیس مخالفتی

### با ابراز شادمانی ندارد

سردار ایوب سلیمانی، جانشین فرمانده ناجا با اشاره به برگزاری مراسم چهارشنبه آرسال گفت: مقدمات پیش بینی شده است؛ قطعاً هدف پلیس صیانت از سلامت و جان مردم و امنیت و آرامش و انضباط در جامعه است. او تاکید کرد: پلیس مخالفتی با ابراز شادمانی و برگزاری مراسم ندارد اما این مراسم شادی نباید سلامت خود افراد و دیگران را به خطر بیندازد و نظم و امنیت جامعه را تهدید کند از همین رو همه برنامه ریزی های ما در این راستا صورت گرفته است. وی هم چنین در خصوص سفرهای نوروزی گفت: برای سفرهای امن و ایمن در نوروز با مشارکت سایر سازمان ها برنامه ریزی های لازم صورت گرفته است. هم چنین قرار گاه نوروزی با حضور ۵۰۰ هزار نفر از اعضای همه دستگاه های مربوطه تشکیل شده و همه بسیج شده اند تا سفرها ایمن انجام شود هم چنین پیش بینی ما این است که با افزایش حجم مسافرت های نوروزی مواجه باشیم از همین رو با توجه به شرایط جوی و افزایش سفرها باید مراقبت های بیشتر شود.

ویژه تهرانی ها اجرا می شود

## روستاگردی بهاری در نوروز



یک مسئول میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری تهران گفت: طرح روستاگردی بهاری با هدف معرفی مقاصد گردشگری کمتر شناخته شده و حمایت از گردشگری روستایی در ایام نوروز ۹۸ اجرا می شود. دلاور بزرگنیا مدیر کل میراث فرهنگی استان تهران اظهار کرد: گردشگران و پانتهخت نشینان به دلیل موقعیت جغرافیایی استان تهران می توانند بهار زیبا و چشم نوازی را در روستاهای هدف گردشگری به ویژه در شهرستان های شمیرانات، دماوند، فیروزکوه و شهریار تجربه کنند. بزرگنیا با اظهار این که توسعه پایدار گردشگری در نگاه یکسان به گردشگری شهری و روستایی است گفت: روستاهای استان تهران می تواند مقصد سفرهای یک روزه و چند روزه گردشگران باشد. وی خاطر نشان کرد: علاقه مندان می توانند با مراجعه به سایت اداره کل میراث فرهنگی استان تهران به نشانی [www.tehran.ichto.ir](http://www.tehran.ichto.ir) از مقاصد گردشگری روستایی و اقامتگاه های بوم گردی استان تهران اطلاعات لازم را کسب کنند.

## مشاهده فساد اقتصادی و تکرار این پدیده در جامعه سه تاثیر اجتماعی روشن و مستقیم دارد. در اولین گام، مقایسه گری اجتماعی را زیاد می کند. سپس باعث ترویج فرد گرایی و بی تفاوتی نسبت به هموع شده و در نهایت همبستگی اجتماعی را کاهش می دهد

دارند، ولسو از روش های غیر قانونی. از طرف دیگر این تفکر غالب باعث می شود هم چیز معنای خود را در کنار پول و مسائل مالی از دست بدهد. کار، صرفاً فعالیتی برای پول در آوردن می شود و تحصیل هم ابزاری است برای رسیدن به موقعیت مالی بهتر. این یعنی همه چیز تحت الشعاع پول قرار می گیرد و دیدن فساد مالی احساس نامنی روانی ایجاد می کند که به این تفکر اقتصاد محور در جامعه دامن می زند.

## آسیب شناسی

### فرهنگی فساد مالی

مدیر گروه فلسفه و ادیان دانشگاه سمنان هم در مورد اختلاس های بزرگ مالی اخیر در کشورمان گفت: در ایران چند دلیل به طور عمده عامل بروز این پدیده شوم و پرونده های فسادهای مالی و اقتصادی بزرگ شد. یک دلیل، فقدان شایسته سالاری در واگذاری پست ها و کارهای کلیدی به افراد است؛ یعنی محول کردن بعضی از مشاغل حساس به افرادی که صلاحیت آن را از جهت اخلاقی و اجتماعی ندارند باعث بروز این پدیده ننگ آور شد. دومین عامل در این مسئله مربوط به رعایت الزامات اخلاقی در خود افراد است. یعنی افراد اخلاقی در جامعه کم داریم.

عظیم حمزنیان چنین ادامه می دهد: «مشاهده می شود نظارت دولت بر نهادهای مالی بسیار ضعیف است. این عوامل در کنار چند عامل دیگر سبب بروز این پدیده شوم در ایران شده است. تاثیرات فرهنگی این اختلاس ها در قدم اول بدگمانی مردم به سیستم اداری دولت و نظام است؛ یعنی مردم به نظام بدبین می شوند. دوم این انگیزه در افراد باقی می ماند که با استفاده از مسیرهای انحرافی و راه های ناصواب می توان به اموال هنگفتی رسید و یک شبه پول دار شد که شاید در حیطه نظارتی دولت هم قرار نگیرد.»

محسنی فر ادامه می دهد: «افراد وقتی در جریان فسادهای مالی با رقم های کلان قرار می گیرند خود را با بالادست شان مقایسه می کنند و این تصور در آن ها شکل می گیرد که اگر آقای ایکس توانست با رانت خواری به امکانات و ثروت دست پیدا کند، چرا ما نتوانیم؟ همین نقطه شعروعی است برای آن که سعی کنند به امکاناتی فراتر از جایگاه خود دست پیدا کنند.»

ترجیح منافع شخصی بر منافع عمومی مهم ترین آسیبی است که محسنی فر به آن اشاره می کند و آن را از تاثیرات افزایش فسادهای مالی می داند. او می گوید: «جامعه ما به سمتی می رود که افراد فردگرا می شوند و منافع طلبی های فردی شان پررنگ تر از هر وقت دیگری است. در واقع تکرار فسادهای اقتصادی به مردم نشان می دهد می توانند همیشه راهی برای بهره برداری از پایین دست خود پیدا کنند.»

محسنی فر معتقد است فساد اقتصادی محصول شرایط حاکم بر جامعه و قوانین اقتصادی است و برای آن که چنین جوی مهار شود، مردم باید بر خورد قاطع با فسادگرایی داشته باشند. او می گوید زندانی شدن یا اعدام نمی تواند از نگاه اجتماع بر خورد قاطعی با مفسد اقتصادی باشد: «از دید مردم آن که باید محاکمه شود، فرد اختلاس کننده نیست، چرا که این افراد در طول زمان باز هم پدیدار می شوند. آن چه از نگاه اجتماع بر خورد قاطع تلقی می شود، اصلاح قوانین و بستن راه فساد است. وقتی ساختار اقتصادی مبتنی بر رابطه باشد یا نواقص آن اجازه دور زدن قانون را بدهد، فساد اتفاق می افتد و این چیزی است که مردم آن را درک می کنند.»

## همه چیز برای پول بیشتر

این جامعه شناس درباره یک خطر بزرگ دیگر هشدار می دهد: «افزایش فساد اقتصادی، به دلیل تغییر اجتماعی رخ می دهد که در یکی دو دهه اخیر شاهد آن بوده ایم و از نظر اجتماعی خطرناک است. اقتصاد در کشور ما خیلی پررنگ شده و نقش محوری پیدا کرده. حتی این تفکر اقتصادی را می توانید در بین بچه ها هم ببینید که پول را معیار همه چیز می بینند. در چنین شرایطی که پول بزرگ ترین دغدغه افراد است، فساد اقتصادی اتفاق می افتد و کسب منفعت فردی بیشتر از هر چیزی اهمیت پیدا می کند و افراد از هر طریق سعی در کسب مال بیشتر

بزرگ می شوند و خانه را ترک می کنند، خانه از بچه ها و همه در دسرهای مربوط به آنها خالی می شود؛ ناگزیر چیزی باید این فضای خالی را پر کند. پدر و مادر، این دو بازمانده که به طور معمول تاریخچه ای مشترک با هم دارند، اکنون مجالی می بایند تا گذشته را با هم مرور کنند. در نهایت این گذشته هوار می شود روی ذهن زوجی که پایه دوران باز نشستگی گذاشته اند. بنابراین به باور کارشناسان روانشناسی مفهوم سندرم آشیانه خالی یک تعبیر پزشکی-زیست شناسی است که به روانشناسی وارد شده و در تحلیل مسائل باز نشستگی و سالمندی مورد استفاده قرار می گیرد. مفهومی سمبلیک از وضعیت پرند های نر و ماده بعد از بزرگ شدن جوجه ها و پر گرفتن و رفتن آنها از آشیانه است.

باز نشستگی و خالی ماندن خانه از فرزندان ممکن است برای بعضی افراد با «سندرم آشیانه خالی» یعنی زمانی که فرزندان، خانه را ترک می کنند همراه باشد؛ در علم روانشناسی «سندرم آشیانه خالی» به احساس افسردگی، ناراحتی و اندوهی اطلاق می شود که توسط والدین یا سرپرست بچه هایی که بزرگ شده و خانه پدری خود را ترک می کنند، تجربه می شود. از اینرو اگر دوران باز نشستگی از لحاظ بازه زمانی با این سندرم همزمانی

بزرگ می شوند و خانه را ترک می کنند، خانه از بچه ها و همه در دسرهای مربوط به آنها خالی می شود؛ ناگزیر چیزی باید این فضای خالی را پر کند. پدر و مادر، این دو بازمانده که به طور معمول تاریخچه ای مشترک با هم دارند، اکنون مجالی می بایند تا گذشته را با هم مرور کنند. در نهایت این گذشته هوار می شود روی ذهن زوجی که پایه دوران باز نشستگی گذاشته اند. بنابراین به باور کارشناسان روانشناسی مفهوم سندرم آشیانه خالی یک تعبیر پزشکی-زیست شناسی است که به روانشناسی وارد شده و در تحلیل مسائل باز نشستگی و سالمندی مورد استفاده قرار می گیرد. مفهومی سمبلیک از وضعیت پرند های نر و ماده بعد از بزرگ شدن جوجه ها و پر گرفتن و رفتن آنها از آشیانه است.

پنج تا شش دهه از زندگی و تلاش در محیط های کاری مختلف، قدم به دوران باز نشستگی بگذاریم. سال هایی که قرار است از آنچه اندوخته ایم برای ادامه زندگی و فراهم آوردن محیطی آرام بهره ببریم. بنابراین می توان گفت جدا شدن از فضایی که افراد هر روز با آن سرو کار داشته اند، شاید نخستین مشکلی باشد که در دوران باز نشستگی با آن روبرو خواهند شد.

از طرفی دیگر افراد هنگامی که پایه عرصه میانسالی می گذارند ممکن است با شرایطی روبرو شوند که دیگر هر یک از فرزندان بزرگ شده اند و به کسب و کار خویش مشغول هستند. در واقع با شروع دوران باز نشستگی و فراغت از کار، متوجه بزرگ شدن فرزندان می شوند که هر کدام از آنها خانه را ترک کرده اند و تنها فرد باقیمانده در آشیان زندگی، همسرشان است که فراز و نشیب های بی شماری را با یکدیگر پشت سر گذاشته اند. در حقیقت و فکتیکه بچه ها